

نشانه‌گیری هدفمند!

استعدادها و برآوردن صحیح نیازهای اساسی و فطری وی منجر شود. استعدادهای کودک فقط به خواندن و نوشتن و انباشتن حافظه محدود نیست. او مستعد و نیازمند تفکر، تعقل، انتخاب، کنجکاو، استدلال و اراده کردن هم هست.

مداخله به‌هنگام با آگاهی از نیازهای فرد فرد متریبان یا تک‌تک فرزندان محقق می‌شود. لذا تربیت و یادگیری اثربخش امری بالینی، مستمر و هوشمندانه است و توجه به نیازهای فطری و ایجاد فرصت‌های یادگیری و

امروزه «ذائقه‌سازی مغایر با فطرت کودکان»، از مهم‌ترین چالش‌های دلسوزان تعلیم و تربیت مطلوب است. فقدان شناسایی صحیح نیازهای اساسی و فطری کودک و غفلت از آن‌ها برابر است با فرصت‌دادن به بدخواهان رشد و تعالی کودکان، برای تولید محتوای متضاد با ویژگی‌ها، اقتضائات و نیازهای فطری ایشان. در قرن حاضر و چند دههٔ متمادی اخیر، تربیت و منزلت انسانی دچار تزلزل و انحراف شده است، به طوری که برخی از دلسوزان و دغدغه‌مندان تعلیم و تربیت واژه‌ها و عبارات‌های تلخی برای آن

به کار می‌برند؛ از جمله «قرن مدعیان دروغین تعالی انسان» یا «عصر تهدید حقوق اساسی و حقیقی بشر».

بدیهی است توجه به این نگرش برای تمام دوره‌ها و سنین رشد و تربیت انسان اهمیت دارد، اما برای دورهٔ بنیادین و پایهٔ تربیت یا همان دورهٔ اوان کودکی به عنوان دورهٔ اساسی رشد و تربیت انسان جایگاه ویژه ای دارد. با این اوصاف، امروز مسئولیت تربیت کودک بیش از هر وقت دیگری اهمیت دارد، اما این ساختن و تربیت کردن مستلزم شناخت دقیق مسئله‌ها و نیازهای تربیتی کودک است. نیازهای فطری در یک سلسله مراتب شامل نیازهای زیستی - بدنی، روانی - شناختی، اجتماعی - عاطفی، و اخلاقی - معنوی قابل شناسایی و دسته‌بندی هستند.

هرچند آگاهی و شناسایی نیازها در اوان کودکی بیشتر متوجه نیازهای زیستی است و کودک به تدریج با سایر نیازها آشنا می‌شود، اما در دنیای امروز فرد با سرعت بیشتری نسبت به روزگار گذشته از سایر نیازهای اساسی و خدادادی خود آگاهی می‌یابد. لذا تربیت مطلوب کودک، باید ضمن شناسایی صحیح نیازها و مسئله‌های متربی، به شکوفاشدن



کسب تجربه برای کودک، نقشی حیاتی و سرنوشت‌ساز دارد. به‌طوری که بنای رفیع تربیت صحیح دوره‌های سنی بالاتر بر پایه شناخت نیازهای فطری و اقتضانات در سنین اولیه کودک گذاشته می‌شود.

خشت اول گر نهد معمار کج
تا ثریا می رود دیوار کج

نشانه‌گیری دقیق

از اینکه در جوامع به‌ظاهر دلسوز و مدافع حقوق انسان‌ها، اما در حقیقت بدخواهان امنیت و سعادت بشر، این همه نویسنده و هنرمند برای کودکان می‌نویسند و انواع فیلم‌های کودکانه تولید می‌کنند، نباید تعجب کنیم؟! اینکه صدها

شبکه ماهواره‌ای برای مخاطبان فارسی‌زبان و به‌طور خاص کودکان ایران عزیز، به تولید برنامه و محتواهای فرهنگی و اعتقادی مغایر با ارزش‌های انسانی و دینی به زبان فارسی می‌پردازند و شبانه‌روز کار می‌کنند و در

فضاهای مجازی با محتواهای جذاب، اما مغایر با نیازها و استعدادهای خدادادی و فطری، برای کودک و نوجوان اثر خلق می‌کنند، جای تعجب ندارد؟! چون کسانی که می‌خواهند ریشه‌های اخلاق و فطرت بشر را دچار آفت کنند، خوب به مسئله تربیت‌پذیری از دوران خردسالی پی برده‌اند و دقیق نشانه گرفته‌اند. زیرا پایه‌های تربیت از طفولیت مستحکم یا متزلزل می‌شود.

دنیای رسانه و ارتباطات جمعی پر از توافقات و تضادهای ارزشی و فطری است. در جامعه چندبعدی ارزش‌های متضاد هم وجود دارند. در چنین شرایطی باید آگاهانه، ماهرانه و همسو با دنیای کودک، وی را در موقعیت و محیط «طیب» یا همان محیط غنی و سرشار از فرصت‌های متناسب با ویژگی‌های فطری قرار داد

جامعه امروز بسته و محدود نیست. دنیای رسانه و ارتباطات جمعی پر از توافقات و تضادهای ارزشی و فطری است. در جامعه چندبعدی ارزش‌های متضاد هم وجود دارند. در چنین شرایطی باید آگاهانه، ماهرانه و همسو با دنیای کودکان، وی را در موقعیت و محیط «طیب» یا همان محیط غنی و سرشار از فرصت‌های متناسب با ویژگی‌های فطری قرار داد. این موقعیت‌ها به معنای تربیت مجزا (ایزوله) نیست، بلکه تدبیری برای شکل‌گیری تربیت توحیدی از خردسالی است.

اما نکته مهم این است که ایجاد فرصت‌ها و موقعیت‌ها برای کودکان باید جذاب، متنوع، برآمده از اقتضانات و روحیه آنان و در راستای نیازهای واقعی‌شان باشد؛ نیازهایی از قبیل نیاز به دانستن، کنجکاوی، دستکاری اشیاء در محیط پیرامون، تحرک، بازی و نشاط، و همچنین نیاز به مراقبت و دریافت محبت فراوان از والدین، نیاز به الگوی صحیح در عفاف و حیا، و حتی نیاز به بخشش و اغماض در بروز خطاها.

نقطه مقابل این نگرش، تربیت تحمیلی، بزرگ‌سالانه و دور از پاسخ‌گویی به نیازها و اقتضانات کودکی است. همواره باید از دید کودک به مسئله‌های تربیت و یادگیری او نگریست. یادمان باشد مربی، پدر یا مادر بودن به ما این حق را نمی‌دهد که فرزندان را «فقط کنترل» کنیم، بلکه به ما این «مسئولیت» را می‌دهد که خودمان را کنترل کنیم. مربی، پدر یا مادر بودن به ما این حق را نمی‌دهد که فرزندان حرف ما را گوش کند، بلکه این «مسئولیت» را می‌دهد که به او گوش کنیم.

دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت نسل آینده وظیفه دارند، بیش از آنکه در چارچوب فکری پرورش‌دهندگان نیازهای کاذب و غیرفطری کودکان در دنیای ساختگی آنان غوطه‌ور و متأثر از آن‌ها باشند، با هوشمندی و هدف‌گذاری صحیح به تربیت فرزندانمان همت مضاعف کنند و روش‌های خود را برای تربیت نسل‌های بعد ارتقا دهند و تنها به تکرار گذشته اکتفا نکنند.

بهار طبیعت یادآور رشد، طراوت و سرزندگی است. در بهار امسال آرزومند هدف‌گذاری دقیق در تربیت اصیل و موافق با فطرت توحیدی فرزندانمان برای شما مخاطب محترم، به‌ویژه والدین و مربیان عزیز هستیم؛ به‌نحوی که با شناسایی و بررسی صحیح نیازها و چالش‌ها در تربیت و یادگیری کودکان، با بهره‌مندی نوآورانه از منابع و روش‌های معتبر علمی و تجربی موفق، بیش از گذشته کوشا و موفق باشیم.

